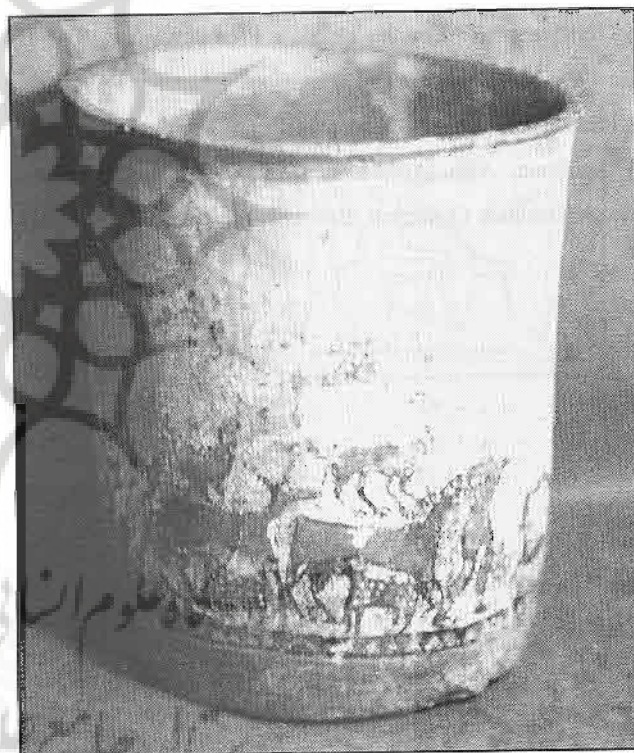


طرح - ۱

انسان از دیرباز با آگاهی یافتن از فن ساخت ظروف سفالین همواره در کاملتر کردن این ساخته دست خویش در طی دوران مختلف سعی و تلاشی وافر کرده است.

با توجه به گزارشات منتشره قدیمی ترین سفال ساخته شده متعلق به هزاره هشتم ق. م و مکشوفه از تپه گنچ دره (لایه E) است.^(۱) تغییراتی که در نحوه ساخت و پرداخت و کاربرد ظروف سفالین در طی هزاره‌های مختلف صورت پذیرفته است جایگاه فن سفالگری را به عنوان یکی از واقعیتهای فرهنگی قابل توجه مشخص می‌کند. گرچه انگیزه ابتدایی انسان از ساخت ظروف سفالین را می‌توان این گونه توجیه کرد که جهت رفع نیازهای روزمره وی صورت پذیرفته است ولی با توجه به تغییراتی که در نحوه ساخت آنها به وقوع پیوسته و تنوعی که در شکل و نقوش ایجاد شده این موضوع مطرح می‌شود که احتمالاً ظروف سفالین به مرور از جایگاهی اجتماعی برخوردار شده‌اند، این جایگاه اغلب به گونه‌ای با باورهای اعتقادی و مسائل اجتماعی و هنری ارتباط داشته است. از جمله عوامل مؤثر در مشخص کردن جنبه کاربردی ظروف سفالین نقوش ایجاد شده بر آنهاست. همان گونه که در تکنیک ساخت، آثار تغییرات گوناگونی را می‌توان مشاهده کرد، در نقوش مختلف نیز این گونه تحولات چشمگیر است. مثلاً در سفالهای منقوش اولیه نقوشها با استفاده از خطوط ساده هندسی ایجاد شده و به مرور تحت تأثیر عوامل مختلف اعتقادی، اجتماعی و گاه اقتصادی این نقوش دچار تغییراتی شده‌اند و به دلیل اینکه ظروف سفالین یکی از فراوانترین آثار به جا مانده از دوران گذشته است می‌توانند به عنوان یکی از مدارک با ارزش فرهنگی از جنبه‌های گوناگون مورد مطالعه قرار گیرند.

از جمله ظروف سفالین منقوش می‌توان به جام سفالی منقوشی اشاره کرد که در بخش پیش از تاریخ موزه ملی ایران نگهداری می‌شود.



تصویر - ۱

معرفی یک جام سفالین مکشوفه از ارومیه

پروین کاظم پور عصمتی

این اثر فرهنگی فاقد مدارک لازم از قبیل محل دقیق کشف و پیشینه تاریخی است لذا جهت روشن شدن وضعیت فرهنگی و تاریخی آن و همچنین به دلیل اهمیت فرم و نقوش موجود بر روی آن، در این مقاله مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

معرفی جام:

جام مذکور عبارت است از ظرفی استوانه‌ای با قطر دهانه ۱۷/۵ سانتی‌متر و ارتفاع ۲۰ سانتی‌متر و مکشوفه از منطقه آذربایجان غربی (ارومیه) و دارای خمیره کرم رنگ متمایل به صورتی و ماده چسباننده ذرات ریز شن و آهک است. (تصویر - ۱)

تکنیک ساخت آن چرخ ساز بوده و پوششی کرم رنگ سطح خارجی جام را به صورت زمینه‌ای جهت ایجاد نقوش پوشانیده است. از نظر رنگ‌آمیزی نقوش، جام مذکور را می‌توان از نوع سفالهای پلی کرم محسوب کرد؛ زیرا رنگهای نارنجی؛ سفید و قهوه‌ای تیره؛ رنگهایی هستند که در ایجاد نقوش این جام به کار برده شده‌اند.

۱- فرم:

از نظر شکل ظاهری این جام در ردیف جامهای استوانه‌ای قرار دارد که در اواسط هزاره دوم پ.م در حوضه دریاچه ارومیه از گستردگی وسیعی برخوردار بوده است، از جمله مکانهایی که مشابه فرم این جام؛ از آن به دست آمده است، می‌توان به هفتوان تپه (هفتوان VIB) اشاره کرد و مایکل ادوارد (M. R. Edward) در معرفی سفالهای هفتوان به طور کامل آنها را مورد بررسی و معرفی قرار داده است.^(۱)

قابل ذکر است که جامهای معرفی شده توسط وی؛ به طور کلی بدون نقش بوده و یا از نقوش هندسی ساده در تزئین آنها استفاده شده است.^(۲)

۲- نقوش:

جهت توضیح نقوش این جام که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، ابتدا به توضیح قسمت داخل جام سفالین پرداخته و سپس سطح بیرونی را تا ناحیه کف شرح می‌دهیم.

در قسمت داخلی از ارتفاع یک سوم مانده به لبه، پوششی نارنجی رنگ قرار دارد که این پوشش علاوه بر داخل، قسمتهایی از سطح خارجی بدنه و تمامی ناحیه بیرونی کف را شامل می‌شود.

لبه مسطح جام سفالین که دارای قطری حدود ۸ میلی‌متر است با رنگ قهوه‌ای رنگ‌آمیزی شده و سپس بر روی آن نقاطی سفید رنگ به قطر ۲-۵ میلی‌متر در فواصل کمتر از ۵ میلی‌متر ایجاد شده است و ظاهری شبیه منبت کاری دارد.

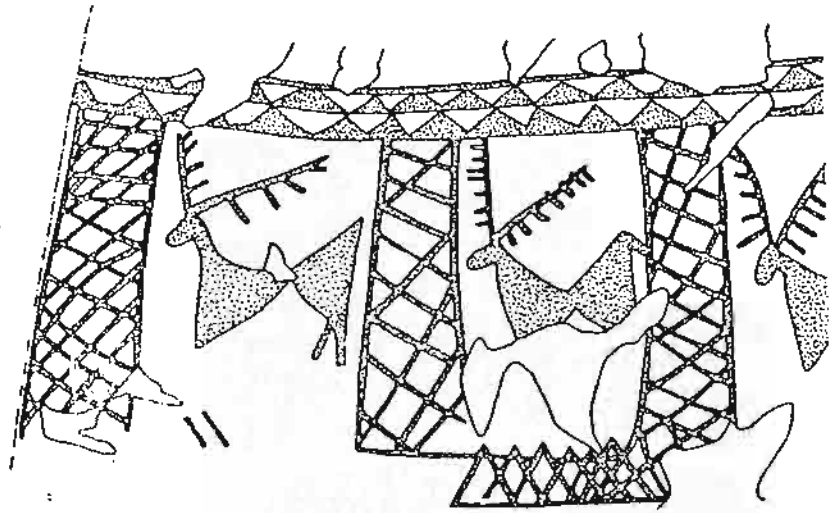
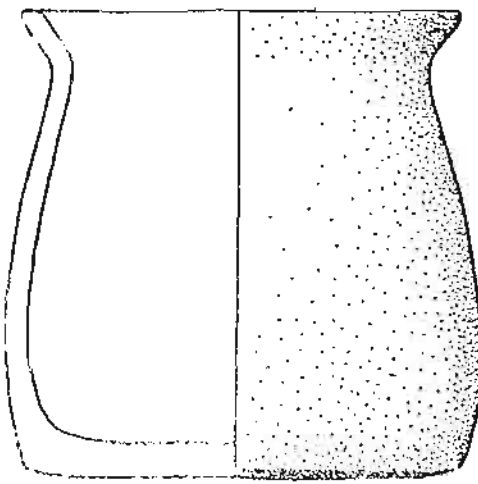
در زیر لبه تا ارتفاع ۱/۵ سانتی‌متر پوشش نارنجی ادامه دارد و از این قسمت تا ارتفاع ۱۷ سانتی‌متر سطح بیرونی؛ بر روی زمینه کرم متمایل به سفید، نقوشی به رنگهای سیاه؛ آخری و سفید به گونه‌های



طرح - ۲

مختلف قرار دارد. قابل ذکر است که دو نوار تزئینی با پهنای تقریبی ۲ سانتی‌متر به صورت کمربندی در حاشیه لبه بالا و پایین (یعنی شروع و پایان نقوش) ایجاد شده و این قسمت را احاطه کرده است و شامل لوزیها و مثلثهای کوچکی است که به صورت یک در میان در این باند تزئینی قرار گرفته است. لازم به ذکر است که در لبه بالای نقش لوزیها با ۵ نقطه سیاه رنگ و مثلثها نیز با رنگ آخری رنگ‌آمیزی شده‌اند (طرح - ۱) قسمت اصلی نقوش سطح خارجی جام سفالین به دلیل فرسودگی قسمتهایی از آن قابل تشخیص نیست و نمی‌توان محدوده شروع نقش را مشخص کرد و از طرفی احتمال داده می‌شود که این نقوش ضمن دارا بودن یک سیر تطوری؛ از یک تسلسل تصویری نیز برخوردار باشند و به همین دلیل جهت توصیف و معرفی کامل نقش (آنچه که قابل رویت است)؛ نقطه‌ای به عنوان شروع صحنه در نظر گرفته می‌شود و عبارت است از صحنه‌ای که انسانی را در حال حرکت به جهت جلو نشان می‌دهد.

قسمتهای شانه و سر و همچنین دستهای انسان مورد اشاره به دلیل فرسودگی قابل تشخیص نیست. در مقابل این شخص که وضعیت قرار گرفتن پاهای وی حالتی از حرکت را القاء می‌نماید، دو حیوان چهارپا که به احتمال بسیار با توجه به نوع شاخها، گوزن هستند در حال تغذیه فرزندانشان خود قرار دارند سطح بدن گوزنهای کوچک با نقاط سفید به صورت خال خال، رنگ‌آمیزی شده است. در بالای این صحنه تصویری از یک پرنده و سپس حیوان چهارپای دیگری با پنجه‌های باز قرار گرفته است. در ادامه صحنه گوزنهای در حال تغذیه، تصویر شخص دیگری قرار دارد که نسبت به نقش قبلی مشخص تر بوده و نمایانگر انسانی است که کمانی را در دست داشته و حالتی از حرکت به جهت پیش را نشان می‌دهد. در قسمت



طرح - ۲

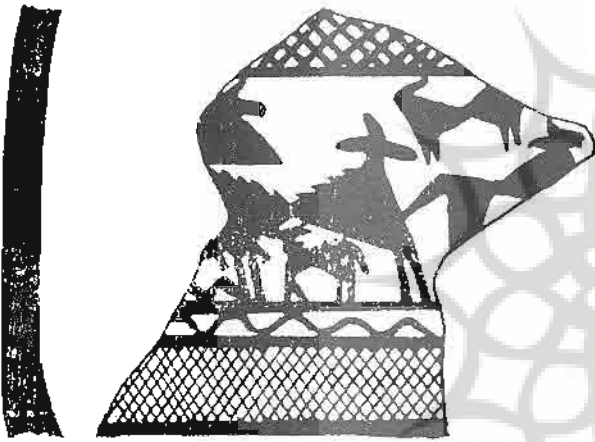
پنجه پا احتمالاً پوششی که به صورت نواری پهن سطح پنجه را پوشانیده دیده می‌شود و این امر را در تصویر اولین انسان مورد اشاره نیز می‌توان ملاحظه کرد.

در مقابل این تصویر ارابه‌ای قرار دارد که دو چرخ عقب آن کاملاً مشخص بوده و احتمالاً این ارابه توسط دو چهارپا که در جلو آن قرار داشته‌اند حمل می‌شده که متأسفانه به دلیل از بین رفتن نقش نمی‌توان در مورد نوع حیوانات اظهار نظر کرد. در مقابل این صحنه نیز باقیمانده تصویر گوزنی موجود است که شامل سر، شاخها و پشت آن است. در این صحنه نیز تصویر حیوان چهارپا با پنجه‌های باز مجدداً تکرار شده است. در مقابل این گوزن، باقیمانده بسیار اندکی از تصویر انسانی قرار دارد که احتمالاً از تعادل خارج شده است. در فاصله بین نقوشی که به عنوان شروع مورد نظر قرار گرفته و نقوش پایانی به احتمال زیاد تصاویری دیگر وجود داشته است که کاملاً از بین رفته و قابل تشخیص نیست.

در قسمت بالای جام سفالین و درست در بالای نقوش شرح داده شده، باقیمانده تصاویر حیوانی (گوزن) و انسانی دیده می‌شود. شاید بتوان با توجه به نقوش مذکور این چنین تصور کرد که صحنه‌های باقیمانده در روی جام سفالین در مجموع نمایانگر صحنه‌ای واحد بوده است.

در حاشیه لبه انتهایی نقوش مذکور همان گونه که اشاره شد نواری کمربندی قرار دارد که با مثلثهای واژگون و به صورت یک در میان با رنگهای سیاه و نارنجی و سفید و سه نقطه سیاه تزیین شده است.

قسمت انتهایی و تمامی کف خارجی جام سفالین با رنگ نارنجی رنگ آمیزی شده است. به دلیل عدم وجود مدارک مستدل دال بر محل کشف دقیق و یا لایه مرتبط با آن نمی‌توان تاریخ دقیق ساخت و یا دوره متعلق به آن را مشخص کرد. به همین دلیل با استناد به ویژگیهای مشترک با موارد مشابه که تاکنون گزارش شده است و تطبیق آن موارد با



طرح - ۳

مشخصه‌های جام سفالین مورد نظر سعی شده است تا وضعیت تاریخی آن مشخص شود.

همان گونه که قبلاً نیز مطرح شده از نظر فرم ظاهری؛ این گونه ظروف در حوضه دریاچه ارومیه؛ خصوصاً در هفتوان تپه (هفتوان VII) گزارش شده است. (طرح - ۲)

در مورد نقوش متأسفانه تا کنون نقشی که دارای تشابهات کامل با جام سفالین ارومیه (با توجه به سبک کار انجام شده) گزارش نشده است. ولی با مطالعه گزارشات منتشره از مناطق باستانی مورد کاوش قرار گرفته حوزه دریاچه ارومیه به نمونه سفالهایی برخورد شده که در پاره‌ای موارد دارای تشابهات جزئی از نظر نقش با نقوش جام سفالین مورد نظر هستند، از جمله می‌توان به سفالهای مکشوفه از کول تپه آذربایجان اشاره کرد. در این مجموعه سفالها، قطعه سفال منقوشی گزارش شده است که از نظر نقوش حیوانی موجود بر روی آن دارای ویژگیهایی تقریباً مشترک با جام سفالین مورد نظر است. این نقوش عبارت است از تصویر حیوانی چهارپا در حال تغذیه فرزند خویش، حیوان مورد اشاره دارای گوشهایی نسبتاً بزرگ و بدنی که مانند دو مثلث

از راس به یکدیگر متصل شده است (طرح ۳) بر روی سطح بدن آن به گونه‌ای عمل شده که نمایانگر پوششی پرزدار است. ^۵ مشابه همین موتیف را بر روی جام سفالین ارومیه نیز می‌توان مشاهده کرد. متأسفانه به دلیل ناقص بودن قطعه سفال مذکور نمی‌توان در مورد دیگر صحنه‌های احتمالی آن اظهار نظر نمود. علاوه بر این قطعه سفال؛



تصویر - ۲

خمیره‌ای سفالین نیز از تپه حسنلو گزارش شده است ^۶ که دارای نقوش هندسی و حیوانی است که به صورت ردیف گوزنهایی که همگی بر روی یک خط زمینه مشخص کمربندی در قسمت میانی خمیره به تصویر کشیده شده‌اند. در انتهای ردیف گوزنها؛ حیوانی چهارپا در حال حمله به آنها قرار دارد و به همین دلیل وضعیت فرار را در نحوه قرار گرفتن پاهای گوزن‌ها می‌توان مشاهده کرد. (تصویر - ۲)

هم چنین مثلثهایی تو پر و تو خالی و لوزیهایی پر و مثلثهایی معلق به صورت نوارهایی کمربندی و تزئینی در شانه کوزه مورد اشاره نقش شده است که بی‌شبهت به حاشیه تزئینی به کار برده شده در جام سفالین ارومیه نیست.

علاوه بر این موارد از نظر موضوع صحنه تغذیه حیوانها می‌توان جام فلزی مکشوفه از تپه مارلیک؛ مشهور به جام طلایی افسانه زندگی را مورد توجه قرار داد. در این جام. در ردیف پایین نقوش آن صحنه تغذیه بز کوهی از مادر پنج بار تکرار شده است. قابل ذکر است که در جامهای فلزی مکشوفه از مارلیک از نقش گوزن نیز استفاده شده است. ^۸ (طرح - ۴)

استفاده از ارابه و حمل آن توسط حیوان چهارپا از دیگر موتیفهای مورد استفاده در جام سفالین ارومیه است که قابل توجه می‌باشد. زیرا استفاده از ارابه در جام طلایی مکشوفه از تپه حسنلو به وضوح قابل

رویت است. قابل ذکر است که در این مورد ارابه توسط اسب حمل می‌شود. همچنین بر اساس گزارشات منتشره از کاوشهای کرد لُر تپه؛ ظرف سفالینی گزارش شده که از نظر شکل شباهت نسبی با جام سفالین ارومیه دارد و نقش گوزن نیز به صورت مکرر چهار بار روی آن تکرار شده است. ^۳ با توجه به ویژگیهای جزئی ولی مشترک جام مورد بحث با نمونه‌های ذکر شده و همچنین نوع تکنیک کار و نحوه رنگ آمیزی (پلی کرم) انجام شده، شاید بتوان قدمت تاریخی جام سفالین ارومیه را در حدود اواخر هزاره دوم و اوایل هزاره اول ق. م پیشنهاد کرد؛ همچنین اگر پذیرفته شود که هنرمند نقاش سفالگر در ایجاد نقوش جام مذکور صرفاً جنبه تزئینی آن را مورد نظر نداشته و پشتوانه فکری و همچون جنبه‌های اساطیری عامل ایجاد این نقوش بوده؛ می‌توان اظهار کرد که جام مذکور یک جام معمولی نبوده و احتمالاً کاربردی خاص نیز داشته است؛ همان گونه که در مورد جامهای فلزی دارای نقوش داستانی نیز چنین نظریه احتمالی وجود دارد. با توجه به سابقه تاریخی جامهای فلزی مورد نظر که اکثراً در مقطع زمانی هزاره اول ق. م شناسایی شده‌اند؛ به نظر می‌رسد جام سفالین منقوش ارومیه به عنوان یکی از اولین جامهای دارای صحنه‌های اساطیری است که مورد استفاده قرار گرفته است.

*

پانوشته‌ها:

1. Smith, L. Philipe. "Reflection of four Seasons of excavation at tepe Ganj Dareh," 4th annual symposium on archaeological research in IRAN, Iranian Center of archaeological research, PP. 11 - 22, 1975.
2. M. R. Edward, "The Pottery of Haftvan VIB urmia ware," IRAN, Vol 19, PP. 111 - 114, Fig 8 (3 - 8).
3. M. R. Edward, Ibid, Fig. 7.
4. H. Talai, "notes on new Pottery Evidence From the Eastern urmia Basin. Col Tepe," IRAN, Vol xxz PP. 151 - 155, 1984.
5. H. Talai, Ibid, Fig 2 - 7.
6. Robert. H. Dyson, jr, "Early culture of Soldus", Pope, Vol, 4 p. 2060, Fig 1030, 1958.
7. دکتر عزت‌الله نگهبان، «ظروف فلزی مارلیک»، سازمان میراث فرهنگی، چاپ اول، تصویر ۱۴، ۱۳۴۸.
8. Irene. j. Winter. The "Hasanlu Gold Bowl": Thirty years Later, Expedition, Vol, 31, no, 2, 3 PP, 87 - 106.
9. Andreas, Lippert DIE USTER DICHISCHE AUSGRABUNGEN AM KORDLAR TEPE IN PERSISCH - WESTASERBEIDSCHAN (1971 - 1978)" Archaeologische Mitteilungen Aus Iran, PP 103 - 137, ABB, 9, 1970.

*